

شیوه های نوین تدریس

زهره رحیمی کورکور^۱، شقایق بداغی گله^۲، مریم غریبی دربی^۳، سیده زینب حسینی ملائی^۴

چکیده

آموزش و پرورش باید منجر به رشد همه جانبه دانش آموزان شود. ایجاد دیدگاهی جدید در معلمان از اهمیت والایی برخوردار است. یکی از شاخص هایی که در یادگیری فرد تاثیر بسزایی دارد روش تدریس است. روش های تدریس نوین علاوه بر ساخت دیدگاهی نو در معلمان، منجر به رشد دانش آموزان در زمینه های فردی، اجتماعی یادگیری میشوند. در این مقاله ابتدا به تعریف مفاهیم پر کاربرد و روش های تدریس نوین و سنتی پرداختیم. از بین روش های نوین تدریس پنج مورد را انتخاب و بررسی کرده ایم. نتیجه مقاله حاکی از این است که مدارس و معلمان باید به جای روش های تدریس سنتی از روش های نوین که باعث افزایش قدرت تحلیل، خلاقیت و اعتماد به نفس دانش آموزان می شود استفاده کنند و به سطوح بالای یادگیری توجه نمایند. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که هر یک از روش های تدریس نام برده به خودی خود خوب یا بد نیستند، بلکه نحوه و شرایط استفاده از آنها باعث قدرت یا ضعفشان شده است. این مقاله به روش کتابخانه ای و جستجو در مقالات چاپ شده و کتاب های تالیف شده، تهیه شده است.

واژگان کلیدی: شیوه، تدریس، آموزش، یادگیری، معلم

^۱ دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مرکز حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

^۲ دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مرکز حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

^۳ دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مرکز حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

^۴ دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مرکز حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

۱- مقدمه

آموزش از مسائل بسیار مهم و حیاتی نظام های تعلیم و تربیت است. آموزش یا تدریس فرایندی است که بین معلم و شاگرد اتفاق می افتد، فرایندی که در یک سوی آن معلم و در سوی دیگر آن شاگرد قرار دارد. این فرایند نیازمند تعاملات پی در پی و متداوم بین سه عنصر معلم، شاگرد و شرایط محیط آموزشی است اما مهم تر از همه آمادگی شاگرد برای فراگیری است.

هدف، مهم ترین مفهوم در آموزش و پرورش است. امروزه هدف از تعلیم و تربیت تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل آینده نیست بلکه مهم ترین اهداف آموزش و پرورش ایجاد تغییراتی مطلوب در نگرش ها، باور ها و شناخت ها و در نهایت رفتار انسان ها می باشد. تحقق این اهداف رسالت اصلی نظام های آموزشی است. روش های تدریس به عنوان عاملی اصلی و بسیار مهم برای تحقق این رسالت به میدان آمده اند و باید به این روش ها تسلط کامل داشت.

«شناخت و آگاهی مدرسان از نظریه های یادگیری و الگوهای تدریس اهمیت ویژه ای دارد. زیرا اماکن آموزشی جایگاهی برای هدایت، نظارت و یادگیری هستند و معلم چون راهنما، ناظر و سازمان دهنده است. معلم افزون بر آگاهی های لازم در زمینه ماده درسی، باید درباره شیوه های طراحی آموزشی و ارزشیابی آن نیز دانش و مهارت کافی داشته باشد.» (اکبری شلدره ای، ۱۳۸۹)

«اهمیت و ثمر بخشی روش های تدریس و یادگیری بهتر همواره مورد نظر دانشمندان و محققین علوم تربیتی بوده است. تاریخچه مطالعات نشان میدهد روشهای تدریس چه در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و چه در ایجاد انگیزه و رضایت خاطر، پرورش شخصیت و رشد خلاقیت آنان موثر است. وظیفه ی معلمان در فرآیند تدریس تنها انتقال واقعیت های علمی به دانش آموزان نیست بلکه باید موقعیت و شرایط مطلوب یادگیری را فراهم نمایند و چگونه اندیشیدن و چگونه آموختن را به شاگردان بیاموزند.» (مقرب الهی، ۱۳۹۱)

«روشهای تدریس به منزله روشنایی های متفاوتی هستند که هر کدام بردشان تا شعاع خاص را در بر می گیرند البته باید اذعان نمود که هر یک از روشنایی های فوق در ارتباط با موقعیت های مختلف از کارایی ویژه ای برخوردار هستند، به عبارت دیگر هر یک در جای خویش مثمرتر هستند.» (قورچیان، ۱۳۷۹)

کار معلم نه تنها انتقال دانش، بلکه پرورش توان تفکر منطقی و پرورش شخصیت سالم است و معلمان موفق برای شاگردان خود تنها عرضه کننده مطالب تخصصی نمی باشند بلکه شاگردان خود مطالب شناختی و اجتماعی و نحوه استفاده موثر از آنها را می آموزند، در آموزش و پرورش نقش نیروی انسانی به خصوص معلم از مهمترین عوامل موثر در رشد و توسعه کیفی و محتوایی تربیت به شمار می آید.

در جبهه تربیت و پرورش، معلمان به عنوان سربازان خط مقدم افتخار آفرینی می کنند بنابراین ضرورت دارد با جدیدترین و پیشرفته ترین سلاح های روز یعنی روش های مختلف نوین تدریس آشنا باشند و بدانند از هر روش در کدام شرایط و موقعیت باید استفاده کرد.

«امروزه شیوه های نوین و فعال توجه مسئولان و دبیران را به خود جلب کرده است. در این شیوه ها فراگیر و علایق و توانمندی های او در مرکز توجه قرار دارد و معلم تلاش میکند تا توانایی فراگیران را در مهارت های گوش

دادن، گفتن، خواندن، نوشتن، استدلال، مقایسه، تطبیق، تجزیه و تحلیل، سازندگی و خلاقیت تقویت کند و با توجه به این موضوع محتوای درسی را در کلاس ارائه می دهد.» (اکبری شلدره ای، ۱۳۸۹)

تدریس کار آسانی نیست معلم در تدریس با عوامل مختلف و متعددی سروکار دارد که کنترل مجموعه آنها ممکن است محیطی را بوجود آورد که یادگیری مطلوب و موثر در آن صورت گیرد. معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست اما تا حدی میتواند با تعیین هدفهای صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روشهای مناسب تدریس و تهیه و بکارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با شاگردانش، کیفیت تدریس خود را دست خوش تغییر و تحول و پیشرفت بکند.

هدف این مقاله نیز معرفی بعضی از این روشهای نوین تدریس است. تا با معرفی بیشتر این روشها به معلمان عزیز و توجه بیشتر به جزئیات، آنها بتوانند مهارتهای لازم برای استفاده از این روشها را به دست آورند و زمینه اجرای آنها را در کلاس فراهم نمایند و کیفیت تدریس خود را بالا ببرند امید است با عنایت به این موضوع گامی در راستای وظیفه الهی خود برداریم.

۲- تعریف اصطلاحات

۲-۱ یادگیری: انسان در طول زندگی خود همیشه در حال یادگیری است. این یادگیری یا به صورت مستقیم اتفاق می افتد و یا غیر مستقیم است. بنابراین برای یادگیری تعاریف مختلفی وجود دارد. از جمله تعریفی که فضلی خانی در این رابطه بیان داشته است: «یادگیری موثر تنها کسب و ذخیره سازی اطلاعات و دانش ها نیست، یادگیری موثر و کارآمد، تقویت و گسترش مهارت های ذهنی، فیزیکی و طرز تفکر، یعنی دانستن، توانستن و خواستن است هر گاه این سه مقوله اتفاق افتد، یادگیری صورت گرفته است. این نوع یادگیری محکم، پایدار، قابل استفاده و مفید است.» (فضلی خانی، ۱۳۸۹)

«یادگیری یکی از مهم ترین زمینه ها در روان شناسی امروزه و در عین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. روان شناسان در سال های اخیر به تعریف هایی تمایل نشان داده اند که به تغییر در رفتار مشاهده پذیر اشاره می کنند. معروف ترین این تعریف ها تعریفی است که به وسیله کیمبل (۱۹۶۱) پیشنهاد شده است. کیمبل یادگیری را تغییر نسبتا پایدار در رفتار بالقوه (توان رفتاری) که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می دهد، تعریف کرده است.» (سیف، ۱۳۷۴)

۲-۲ شیوه: شیوه مترادف با روش می باشد و در ادامه، تعاریف روش را بررسی می کنیم: «روش در مقابل واژه ی لاتینی «متد» به کار می رود، و واژه ی متد در فرهنگ فارسی «معین» و فرهنگ انگلیسی به فارسی «آریانپور» به: روش، شیوه، راه، طریقه، طرز، اسلوب معنی شده است. به طور کلی «راه انجام دادن هر کاری» را روش گویند.» (صفوی، ۱۳۷۰) «روش عبارت است از فرایند عقلانی یا غیر عقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت و یا توصیف واقعیت. در معنای کلی تر روش هر گونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود میباشد. روش ممکن است به مجموعه راه هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت میکند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار میروند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری میکند اطلاق شود» (ساروخانی، ۱۳۷۵).

روش معمولاً به مجموعه ای از فعالیت ها گفته میشود که انجام دادن آنها به یادگیری فراگیر ختم میشود یعنی نتیجه انجام دادن روش به شکل مطلوب، یادگیری مطلوب فراگیر و شاگرد است. «در معنای دقیق تر، روش مشتمل بر مراحل نظام یافته و منطقی است که پیمودن موفقیت آمیز آنها نه فقط به فراگیر کمک می کند، بلکه در بالا بردن میزان کارایی معلمان نیز نقش اساسی دارد» (حبیبی، ۱۳۹۰)

در یک نگاه کلی راه و روش انجام هر کاری را روش می گویند.

۲-۳ تدریس: مفهوم تدریس بیانگر آن بخش از فعالیت هایی است که معلم در تعامل با شاگردان و چهره به چهره بودن انجام می دهد. (نوروزی و رضوی، ۱۳۹۹) زهرا طیبی (۱۴۰۰) در مقاله ای بیان داشته است که «تدریس عبارت است از تعامل، ارتباط و رفتار متقابل معلم و شاگردان، بر اساس طراحی منظم و از پیش برنامه ریزی شده و هدفدار معلم برای ایجاد تغییراتی در رفتار شاگردان» در تعریف دیگری از واژه تدریس، میرزا محمدی توضیح میدهد که «تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرشها، گرایشها، باورها، عادات و شیوه های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، دربر می گیرد.» (میرزا محمدی، ۱۳۹۰)

"گیج" تدریس را اینگونه تعریف کرده است: "هر فعالیتی از جانب یک فرد که به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگری انجام می پذیرد" (گیج ۱۳۷۴). "رابرتسون" (۱۹۸۷) از تدریس به عنوان فعالیتی تعهد آور همراه با قصدی که موجب یادگیری در دیگری می شود "یاد کرده است. (به نقل از دکتر موسی پور ۱۳۸۳)

۲-۴ روش تدریس: روش تدریس عبارت است از راهی منظم و قانونمند که از منطقی کلی پیروی میکند و برای ارائه درس به کار گرفته می شود. تعریفی که صفوی نیز به آن توجه داشته است: «روش تدریس نیز عبارت است از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس می باشد.» (صفوی، ۱۳۶۹). «روش تدریس روش سازماندهی شکل یادگیری با هدف برآورده شدن یک هدف آموزشی خاص است. در واقع روش تدریس یکی از مهم ترین عناصر مهم برنامه درسی و طراحی آموزشی به حساب می آید؛ زیرا محتوا رسانه ها، ارزشیابی و کلیه مراحل تدریس در جای روش و الگوی تدریس قرار میگیرد و ما را به همه اهداف می رساند. هنر معلم نیز در چگونگی انتخاب اجرای روش های تدریس نمایان می شود و (فضلی خانی، ۱۳۸۹). حسن شعبانی (۱۳۹۴) در کتاب روش ها و فنون تدریس، روش تدریس را اینگونه تعریف میکند: «روش تدریس، مجموعه تدابیر منظمی است که معلم برای هدایت فعالیت ها به منظور دستیابی به اهداف آموزشی با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ میکند. انتخاب صحیح روش تدریس از عناصر مهم تحقق اهداف آموزشی به شمار می رود. مربیان و مجریان برنامه درسی، در طول تاریخ از روشهای مختلفی استفاده میکردند که این روش ها با توجه به امکانات موجود و ظهور اندیشه های جدید همواره در حال تغییر و تحول بوده اند.» «روش تدریس عبارت از الگوی بازخداد و رفتار تدریسی، قابل اجرا در موضوعات مختلف درسی، که مشخصه آنها یک معلم نیست و به یادگیری ارتباط دارد» (شفیلد، ۱۳۷۵)

۳- تقسیم بندی روش های تدریس

روش های تدریس به دو دسته کلی تقسیم می شوند. روش های تاریخی که در گذشته مورد استفاده قرار میگرفتند و روش های نوین که متکی بر پژوهش ها و یافته هایروانشناسی و علوم تربیتی جدید می باشند.

۱-۳ روشهای تاریخی: «در این روش فراگیر موجودی انفعالی است و معلم به عنوان انتقال دهنده ی اطلاعات، مسئولیت اصلی آموزش را بر عهده دارد او تلاش میکند ذهن فراگیران را با انبوهی از مفاهیم، اصول و اصطلاحات درس ها انباشته سازد و به این ترتیب رفتار آنها را نسبت به قبل تغییر دهد. در این نوع روش تدریس برنامه ی درسی غیر قابل انعطاف است و معلم و فراگیر به اجبار از محتوای مشخصی استفاده می کنند. معلم تصور می کند که عامل اصلی تدریس، خود اوست و به عنوان گنجینه ی معلومات در برابر فراگیران ظاهر میشود شاید به همین دلیل، به این گونه الگوها و روشها روشهای معلم محور نیز می گویند» (مقرب الهی، ۱۳۹۱). از میان روش های تاریخی دو روش بیش از سایر روش ها در ایران شهرت دارند، یکی روش سقراطی و دیگری روش مکتبی.

۲-۳ روشهای نوین: «در این الگو فراگیر و علایق و توانمندی های او در مرکز توجه قرار دارد و معلم تلاش می کند تا توانایی فراگیران را تقویت کند. معلم هنگام تدریس از وسایل و امکانات آموزشی زیادی استفاده میکند و یادگیری مؤثر را از طریق تمرین ها و فعالیتهای متنوع به عهده ی فراگیران می گذارد و آنان را در تحقق اهداف و یادگیری مفاهیم درس دخالت می دهد. معلم راهنما و هدایت کننده ای است که پا به پای فراگیر مسیر آموزشی را طی میکند و به او کمک می کند تا درس را به طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرد» (صفوی، ۱۳۷۰)

چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس

۱. وجود تعامل بین معلم و دانش آموز
۲. فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین شده
۳. طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات
۴. ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری (شعبانی، ۱۳۸۲)

در فرایند تدریس معلم بایستی یک سلسله عوامل را مد نظر قرار دهد. به کار بردن نکات حیاتی زیر در رابطه با فایند تدریس به معلمان پیشنهاد می شود:

۱. انتخاب هدفها
۲. شناخت خصوصیات شاگردان.
۳. شناخت و به کار بردن نظریات مربوط به یادگیری
۴. انتخاب و به کارگیری روش های تدریس

۵. ارزشیابی از یادگیری شاگردان (گیج، ۱۳۷۴)

در این مقاله پنج روش تدریس نوین معرفی شده است و در کنار آنها قواعد و راهبرد هایی برای اثربخشی بیشتر این روش ها در کلاس پیشنهاد میشود . البته باید به این نکته نیز توجه کرد که هر کدام از این روش ها برای اجرای مطلوب و به کارگیری درست و اثربخش ، به امکانات کلاس و تشخیص معلم بستگی دارند . این روش ها عبارت اند از :

الف) بارش مغزی (یورش فکری)

فرهنگ لغت "وبستر" تعریف بارش مغزی را چنین بیان می دارد: تکنیک برگزاری یک کنفرانس که در آن سعی گروه بر این است تا راه حل مشخصی را بیابند. در این روش همه نظرات در جمع بندی مورد استفاده قرار میگیرد .

روش بارش مغزی امروزه یکی از جدید ترین و متداول ترین روش های تصمیم گیری گروهی و روشی کارآمد برای تدریس مشارکتی است. این روش به دلیل ویژگی های منحصر به فرد خود نه تنها در مدارس بلکه در جلسات مدیریتی نهاد ها ، شرکت های تحقیقاتی بازرگانی، علمی و فنی برای حل مشکلات و مسائل مدیریتی استفاده از آن رایج است. در واقع این روش توسط الکس اسبورن (۱۹۹۸) میلادی برای حل مشکلات مدیریتی معرفی شد و امروزه از آن به عنوان یک روش تدریس کلاسی نیز یاد می شود.

«روش بارش مغزی هم از سوی متخصصان آموزش و پرورش و هم از سوی متخصصان آموزش خلاقیت به عنوان روش تدریس حل خلاق مسائل معرفی شده است و یافته های پژوهشی زیادی اثرگذاری آن برروی پرورش مهارت های حل مسئله دانش آموزان به اثبات رسانیده اند. آموزش دادن دانش آموزان با روش بارش مغزی حل مسئله را به نحو خلاقانه ای در آنان بالا می برد» (نصرتی، ۱۳۹۸) «روش بارش مغزی می تواند به عنوان وسیله ای برای یادآوری مفاهیم و اصول مورد نیاز برای حل مسئله به یادگیرندگان کمک می کند» (سیف، ۱۳۸۹)

روش بارش مغزی بر دو اصل و پنج قاعده اساسی استوار است . در صورتی که این قواعد و مقررات در جلسات بارش مغزی رعایت شوند، این روش بسیار کارآمدتر خواهد شد. این دو اصل عبارت اند از:

۱. تنوع نظرات که باعث فعال شدن قسمت خلاق ذهن می شود.

۲. بالا رفتن کمیت باعث بالا بردن کیفیت می شود. (مقرب الهی، ۱۳۹۱)

قواعد و قوانین روش بارش مغزی

قانون نخست: ممنوع بودن انتقاد

هیچ یک از اعضای گروه اجازه انتقاد از ایده ها را ندارند، هرچند ایده ای که ارائه می شود ، بسیار بی معنی و هجو باشد . هر گونه اظهار نظر درباره ایده ها در ابتدای کار، سبب ناکامی جریان ایده سازی میگردد. ضربه مخرب اظهار نظر پیش از موقع درباره ایده ها، سبب خودسانسوری می شود.

قانون دوم: پرواز در رویا

پرواز در رویا کنایه از این است که در طی جلسه بارش مغزی باید هر گونه قید و بند فکری را کنار گذاشت. بنابراین بهتر است با آرامش خیال و بی آنکه بترسید مورد انتقاد قرار خواهید گرفت، به ایده سازی اقدام کنید.

قانون سوم: کمیت گرایی

هراندازه تعداد ایده ها و فکرها زیاد باشد دسته بندی موضوعی به آسانی صورت می گیرد. اگر گروه بارش مغزی به خوبی هدایت شود در مدت ۲۰ دقیقه میتوان در حدود ۲۵۰ ایده پدید آورد.

قانون چهارم: مستند سازی

برابر این قانون هر ایده ای که ارائه میشود هر چند پیش پا افتاده هم باشد، باید ثبت گردد. به علاوه ایده های ثبت شده باید در معرض دید اعضای گروه قرار گیرند.

قانون پنجم: تکوین ایده ها

پیش از آنکه ایده ها به محک ارزشیابی برسند باید از پیش تکمیل گردند این کار سبب می شود ایده هایی را که بدون ملاحظه با دقت عرضه شده بودند بازبینی و در صورت نیاز تغییر یا تکمیل شوند. برای تکوین ایده ها زمان خاصی باید در نظر گرفته شود. زمان تکوین نظرات، به اهمیت مسئله، ضرورت زمانی حل مسئله و اشتیاق به حل مسئله بستگی دارد. (همان)

نتایج تحقیقات پارس و میدو در خصوص روش بارش مغزی را به صورت زیر می توان خلاصه کرد:

- آموزش از طریق بارش مغزی توانایی حل مساله را در افراد افزایش میدهد.
- روش بارش مغزی بیشتر از روشهای مرسوم، آموزشی به ایجاد عقاید و اندیشه های آفریننده منجر می شود.
- کوشش برای جهت دادن هر چه بیشتر به پاسخ سئوالات طرح شده، به افزایش پاسخ های آفریننده می انجامد.
- دانش آموزانی که دوره های مربوط به حل مسائل به روش بارش مغزی را می گذرانند، در آزمون های آفرینندگی گیلوفورد نمره های بیشتری میگیرند (رمضان پور، ۱۳۹۴).

مراحل اجرای روش تدریس بارش مغزی

مرحله نخست: بیان و ارائه قوانین بارش مغزی

نخستین مرحله ی جلسه بارش مغزی بازگویی و اعلام قوانین است با نصب فهرست قوانین بر روی تخته یا روی دیوار میتوان فرآیند برگزاری جلسه را هدایت کرد.

مرحله دوم: ارائه موضوع یا مسئله

بهتر است، مرحله حاضر را با این عبارت "چه شیوه ها و راه هایی هست تا..." شروع کرد. پیش گرفتن چنین روندی به اعضای گروه یاری می رساند تا توجه خود را تا پایان این مرحله از فعالیت، روی موضوع حفظ کنند.

مرحله سوم: آغاز ابراز ایده یا فکر

کار ارائه ایده یا فکر به صورتهای متفاوتی انجام میشود یک روش آن است که هر فرد ایده خود را بگوید و نوبت را به فرد دیگری بدهد و بدین ترتیب یک جریان چرخشی پدید آید. در این روش کسی که ایده ای در ذهن، ندارد با گفتن "دیگری" یا "از من بگذرید" یا "یک نفر دیگر" زمان را در اختیار عضو دیگری از گروه قرار می دهد.

مرحله چهارم: نمایش ایده ها برای تکوین

در این مرحله تلاش میشود پس ثبت ایده ها، آنها را در معرض دید همه اعضای گروه ها قرار داد

مرحله پنجم: بررسی و ارزشیابی ایده ها

در این مرحله سعی می شود ایده های گروه های متفاوت را بررسی کرد و درباره مجموعه ایده هایشان به اظهار نظر پرداخته شود. بهتر است برای موفقیت در این کار ایده ها را از نظر میزان اهمیت درجه بندی کرد. (آقازاده، ۱۳۸۸)

ب) حل مسئله

این روش یکی از روشهای مشارکتی در تدریس است که کاربرد زیادی دارد. گرچه برخی این روش تدریس را بیشتر با الگوی انفرادی سازگار دانسته اند ولی تجربه نشان میدهد که کاربرد این روش به صورت گروهی موثرتر از الگوی انفرادی آن است. (پارسونز، ۱۹۶۴ / اسدزاده و اسکندری، ۱۳۸۵)

در تعریف روش حل مساله چنین آورده اند صفوی (۱۳۸۲): "حل مساله فرآیندی است برای کشف توالی و ترتیب راههایی که به یک هدف یا یک راه حل منتهی میشوند." پس باید توجه داشت که در فرایند حل مساله فقط جواب اهمیت ندارد بلکه فرایند رسیدن به آن نیز مورد توجه است. در این روش تدریس به دو مورد باید توجه زیاد شود:

- تجارب قبلی دانش آموزان و ایجاد شرایطی برای فراخوان آنها.
- رسیدن به راه حلی که قبلا برای فرد ناشناخته بوده است.

جان دیویی، فیلسوف بزرگ تعلیم و تربیت فرایند برخورد با شرایط زندگی را حل مسئله نامید. وی استدلال کرد که زندگی و یادگیری در برگیرنده برخورد مجموعه ای از مسائل و حل آنهاست و هر عمل انسان (از جمله تصمیم به ندادن پاسخ)، نمودار انتخاب او از بین راه های مختلف است در الگوی حل مسئله یادگیرنده محور فعالیت محسوب می شود و نقش معلم تنها هدایتگری است. بنابراین روش کار به وسیله خود فراگیر ساخته می شود. دیدگاه مورد استفاده در این الگو از نوع قیاسی است. دانش آموزان در این الگو، پس از جمع آوری داده ها با استدلال علمی به کمک، نظریه ها قوانین و با مقایسه آنها با داده ها به دست آمده از پژوهش خود نتیجه را به دست خواهند آورد (بدریان و کیامنش، ۱۳۸۷). در این الگو بهتر است از فعالیت های گروهی استفاده

شود. بنابراین در آن، تعامل یادگیرنده تنها با معلم نیست، بلکه این الگو دارای ارتباط درون گروهی قابل ملاحظه ای است (شعبانی، ۱۳۸۷)

متالیدو (۲۰۰۹) معتقد است که حل مسئله رفتاری هدفمند است که نیاز است یک نمود ذهنی مناسب از مسئله داشته باشد و متعاقب آن لازم است که روشها و راهبردهایی به کار گرفته شود تا فرد بتواند با استفاده از این راهبردها از حالت اولیه به وضعیت مطلوب و هدفمند دست یابد.

در مورد مراحل روش حل مساله نظریه های مهمی وجود دارد که با ذکر چند مورد از آن ها مساله را روشن تر می کنیم:

۱. **نظریه و دیدگاه استنبرگ:** استنبرگ (۲۰۱۶) مسئله را کار ذهنی میداند که می تواند موانع رسیدن به هدف را از میان بردارد. از نظر استنبرگ مراحل اصلی حل مسئله عبارت اند از: ۱. تشخیص مسئله، ۲. تعریف و بازنمایی مسئله، ۳. تولید راهبرد، ۴. سازمان دهی اطلاعات، ۵. تخصیص منابع، ۶. نظارت و ارزیابی.

۲. **نظریه و دیدگاه جان دیویی:** دیویی پنج مرحله را برای حل مساله معرفی می کند (صفوی، ۱۳۸۲):

۱. مشخص کردن مساله ۲. حدس زدن و یا مشخص کردن علل مسئله ۳. در نظر گرفتن تمام راه حل های ممکن ۴. انتخاب بهترین راه حل با توجه به موقعیت مساله ۵. اجرای راه حل انتخابی و نتیجه گیری.

۳. **مدل جورج پولیا:** پولیا ۴ مرحله ی اساسی برای حل مساله در نظر میگیرد:

۱. مرحله ی درک و فهم مسأله که در این مرحله داده ها و خواسته های مساله و رابطه ی بین آن ها مورد بررسی قرار می گیرد.
۲. مرحله ی طرح ریزی که شامل انتخاب راهبردها و استراتژی های ممکن است.
۳. حل مساله با استفاده از راهبردهای انتخابی.

۴. نگاه به عقب که این مرحله ماهیت فرا شناختی دارد و در آن به بررسی مراحل طی شده برای حل مساله می پردازیم.

با توجه به نکات ذکر شده در مورد حل مساله مراحل روش تدریس حل مساله به صورت زیر است:

الف) تشخیص مساله: در اختیار فراگیران فرصتهایی گذاشته میشود تا خودشان مسائلی که قرار است حل شود تشخیص دهند و معلم میتواند نقش مشاور را داشته باشد.

ب) جمع آوری اطلاعات: منابعی که از آنها اطلاعات گردآوری میشود باید با توجه به ملاک های علمی و معتبر طبقه بندی شود

ج) ساختن فرضیه: پیش بینی راه حل های احتمالی برای حل مساله که همراه تفکرو اندیشه می باشد.

د) آزمایش فرضیه: برپایه اطلاعات و شواهد فرضیه یا حدس در دنیای واقعی در ذهن شاگردان برای آزمایش شکل می گیرد.

ه) نتیجه گیری تعمیم و کاربرد: در صورت مواجهه با مشکل شاگرد به نحو احسن مساله را برای خود حل کند و به نتایج جدید دست یابد و پیش بینی کند که مفاهیم تا چه اندازه قابل تعمیم هستند بدون نتیجه مساله قابل حل نیست (زارعی و مرندي، ۱۳۹۰).

چگونگی روابط معلم نسبت به شاگردان در الگوی حل مسأله

معلم نقش ناظر و مشاور را بر عهده دارد و دانش آموزان مسئول یادگیری خویش هستند و انگیزه ها به صورت درونی است و روابط بر اساس محبت و احترام و ارتباط نزدیک می باشد(همان).

در این روش تدریس کلاس از حالت خشک و سنتی خارج میشود و روابط معلم و شاگردان و روابط شاگردان با هم درگروه ها با صمیمیت توأم با احترام همراه می شود می شود . البته توجه به نکات زیر می تواند اثر بخشی روش تدریس ذکر شده را بالا ببرد:

- معلم قبل از ارائه ی مسئله باید روی آن کار کند و بار علمی آن را افزایش دهد.
 - ثبت مراحل توسط دانش آموزان در حین فعالیت اهمیت زیادی دارد.
 - معلم می تواند در گروه های شاگردان مشارکت در کنار آن ها فعالیت کند.
 - اجرای قاعده ی "پرسش در برابر پرسش" توسط معلمان میتواند بسیار موثر باشد.
- در انتها باید توجه داشت که " حل مسأله باید بخشی از کار روزانه دانش آموزان باشد و در هر جلسه حداقل یک زمان ۱۰ دقیقه ای را به بحث و حل مسایل به صورت گروهی اختصاص دهید." (مقرب الهی، ۱۳۹۱)

محاسن و محدودیتهای الگوی حل مسأله

در این شیوه فراگیران دارای انگیزه درونی هستند، تفکرات نقادانه در آنان رشد می کند، نگرش مناسب برای حل مسائل در آینده در آنها ایجاد می کند، تمام جنبه های روانی، اجتماعی وکل شخصیت فراگیران مورد توجه قرار می گیرد و نهایتا سبب افزایش درک علم و روحیه پرسشگری در آنان می شود

در مورد محدودیتها میتوان گفت که این الگو به معلمان قوی و باتجربه و پژوهشگر نیاز دارد امکانات فراوانی را می طلبد. و مشکلاتی مثل تثبیت، گرایش ذهنی و فقدان انگیزه و مداومت نیز میتواند جزموانع باشد (زارعی و مرندي، ۱۳۹۰).

ج) ایفای نقش

ایفای نقش روشی است که میتواند برای تجسم عینی موضوعات و درسهایی که برای نمایش مناسب باشند به کار رود در این روش فرد یا افرادی از دانش، آموزان موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا می کنند (صفوی، ۱۳۶۹). ایفای نقش به معنایی که در اینجا به کار میرود به مهارتهای خاص هنری مثل بازیگری در تئاتر و سینما نیازی ندارد بلکه معلم بنا به موقعیت هدف و موضوع مورد نظر، به عنوان یک روش از آن استفاده میکند (شعبانی ۱۳۸۲) تا موجب تکوین شخصیت فردی و اجتماعی فراگیران گردد.

از ویژگی های ممتاز روش ایفای نقش این است که مشاهده کنندگان (دانش آموزان) با عملیات نمایشی و ایفاگران نقش، ارتباط عاطفی برقرار می کنند، با هیجان، عملیات نمایشی همکلاسان خود را می بینند و خود را در صحنه احساس می نمایند. چون تمام حواس دانش آموزان برای مشاهده نمایش به کار گرفته می شود، عمل یادگیری نیز بهتر انجام می گیرد. (صفوی، ۱۳۶۹)

اگر دانش آموزان مهارت‌های زندگی کردن را کسب کنند در تمام شئون زندگی با موفقیت بیشتری زندگی می کنند (فضلی خانی، ۱۳۸۲).

روش ایفای نقش می تواند به بروز احساسات درونی دانش آموزان کمک کند و آن هارا با این احساسات آشنا نماید و در ضمن موجب رهایی آنها گردد(شعبانی، ۱۳۸۲). در این روش دانش آموزان براساس علایق خویش، نقش های مورد نظر را انتخاب می کنند و با نظارت معلم و همکاری همکلاسان به ایفای نقش می پردازند. از این طریق، آموزش قوانین و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بهتر انجام می شود و به یادگیری موثر و کارآمد می انجامد، زیرا دانش آموزان ضمن شناخت هنجارهای اجتماعی به تحلیل آنها می پردازند و در حین ایفای نقش، نگرش خود را تثبیت می کنند و نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می سازند(فضلی خانی، ۱۳۸۲).

ایفای نقش به مثابه یک روش تدریس ریشه در دو بعد شخصی و اجتماعی فرد دارد. این روش تدریس یادگیرندگان را در تحلیل موقعیتهای اجتماعی به صورت همیار و مشترک فعال می سازد. احدیان و آقازاده (۱۳۷۸) معتقد هستند؛ این روش تدریس موجب میشود که فراگیران احساسات خود را بروز دهند؛ از بینش خود در نگرشها و برداشتها سود جویند نگرشها و مهارت های حل مسایل را گسترش دهند و مواد درسی را از طریق گوناگون بررسی کنند این روش موجب رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل و واقعیت ها و از ارزشهای اجتماعی در عمل است و افتتاح باب گفتگو درباره ارزشها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه است (خورشیدی، ۱۳۸۱).

شرکت کنندگان در روش ایفای نقش

برای اجرای این روش معمولاً افراد زیر شرکت می نمایند:

۱. **معلم یا مسئول اجرا:** معلم برنامه ریزی و مدیریت اجرایی عملیات و برنامه نمایش را به عهده می گیرد و در حقیقت کارگردان نمایش است.
۲. **ایفاگران نقش:** ایفاگران نقش دانش آموزانی هستند که به طور داوطلب و یا انتخابی در برنامه شرکت می کنند . این افراد الزاماً نیازی به داشتن تجربه و ذوق هنری در زمینه نمایش ندارند.
۳. **مشاهده کنندگان(بقیه دانش آموزان کلاس):** سایر دانش آموزان جزء مشاهده کنندگان به حساب می آیند. این افراد در جریان یا در پایان نمایش می توانند پیرامون عملیات نمایش اظهار نظر و یا سوال کنند.(صفوی، ۱۳۶۹)

فنون کلی اجرای نمایشی

در این روش دانش آموزانی که در صحنه نمایش(جلو کلاس یا در سالن نمایش) به ایفای نقش می پردازند معمولاً یکدیگر را مخاطب قرار می دهند و گفتگو ها بین خود آنها رد و بدل می شود. صحنه اجرای نمایش باید طوری ترتیب داده شود که همه دانش آموزان بتوانند عملیات ایفاگران نقش را ببینند. همچنین آنان باید بلند صحبت کنند تا جملگی بتوانند گفتگو های آنان را بشنوند.(همان)

مراحل اجرای روش تدریس ایفای نقش

ایفای نقش به عنوان یک روش موثر در آموزش بستگی به انسجام و کیفیت روش اجرای آن دارد. برای اینکه دانش آموزان بتوانند در روش تدریس ایفای نقش فعالیت و مشارکت داشته باشند به آمادگی نیاز دارند. اجرای موفق این روش تدریس نیاز به اجرای مرحله‌ای دارد.

فضلی خانی (۱۳۸۲) مراحل روش ایفای نقش را شامل هفت مرحله؛ انتخاب موضوع، نوشتن نمایش نامه، تعیین نقش ها، تهیه امکانات و تجهیزات لازم، آمادگی و تمرین مقدماتی، اجرا و دادن نمایش و بحث و بررسی و ارزش یابی می‌داند. حسین زاده و دیگران (۱۳۸۳) ۶ مرحله برای اجرای ایفای نقش عنوان نموده اند که عبارتند از؛ انتخاب موضوع و تفهیم آن، نوشتن نمایش نامه، تعیین نقش ها تهیه امکانات و تجهیزات لازم، آمادگی و تمرین مقدماتی، اجرا و دادن نمایش و بحث و بررسی و ارزش یابی.

از نگاه صفوی (۱۳۶۹) برای اجرای روش ایفای نقش معمولاً مراحل زیر دنبال می شود:

۱. تعیین موضوع و نوشتن آن به صورت نمایش (در صورتی که موضوع به صورت نمایش نوشته نشده باشد)
۲. فراهم کردن شرایط و وسایل لازم.
۳. تعیین نقش هایی که باید ایفا شود.
۴. آماده کردن دانش آموزان برای ایفای نقش از قبیل گرم، تمرین و غیره.
۵. توضیح مختصر راجع به موضوع و هدف نمایش برای افراد کلاس.
۶. انجام نمایش
۷. تکرار نمایش در صورت جالب بودن آن و تقاضای دانش آموزان.
۸. بحث درباره نمایش و در حقیقت ارزشیابی از نتایج آن.

شعبانی (۱۳۸۲) و احدیان و آقازاده (۱۳۷۸) برای اجرای روش تدریس ایفای نقش نه مرحله ارائه داده اند که عبارتند از:

مرحله اول: تعیین موضوع و طرح مسئله (آماده کردن یا گرم کردن گروه)

در این مرحله آشنا سازی دانش آموزان با مسئله آماده کردن گروه با توصیف روشنی از مسئله یا استفاده از مثال ها و پرسیدن سوالاتی برای برانگیختن تفکر دانش آموزان انجام می گیرد (احدیان و آقازاده، ۱۳۷۸). به عبارت دیگر معلم مسئله مورد نظر را به گونه ای ارائه می‌دهد که دانش آموزان به پذیرش آن راغب گردند. مسئله باید با استفاده از مثالها فیلم و... به صورت واضح و روشن بیان شود، سپس با طرح سوالاتی تفکرات آنان برانگیخته می گردد.

مرحله دوم: انتخاب ایفاگران نقش و تعیین نقش آنها

در این مرحله معلم و دانش آموزان شخصیتهای مختلف نمایش را با طرح سوالهایی مانند آنها شبیه چه کسانی هستند؟ چه احساسی دارند؟ چه کار خواهند کرد؟ چه کسی به او کمک می کند؟ و ... به بررسی و توصیف ویژگی آنان میپردازند، سپس معلم

از دانش آموزان میخواهد تا داوطلب ایفای نقش شوند. با توجه به روند همیاری و همکاری معلم از بین داوطلبان بازیگران نقش ها را برمی گزینند.

مرحله سوم: فراهم کردن امکانات و پردازش صحنه

در این مرحله معلم وسایل و امکانات لازم را فراهم می آورد و بازیگران نقش نیز، صحنه را طراحی می کنند. آنها فقط طرح ساده ای از صحنه را ترسیم می کنند و معلم با سوال های خود به پردازش صحنه کمک می کند.

مرحله چهارم: آماده کردن دانش آموزان برای مشاهده

مشاهده کنندگان باید به صورت فعال درگیر نمایش شوند تا بتوانند آن را تحلیل کنند. معلمان باید برای مشاهده کنندگان وظایفی را تعیین کنند، مانند؛ تعیین مقدمه های معین جهت ارزیابی نقش های اجرا شده، نزدیکی آنها با واقعیت های موجود، تفسیر میزان اثر بخشی، پیامدهای رفتار ایفاگران نقش ها و...

مرحله پنجم: اجرای نمایش

در این مرحله بازیگران به ایفای نقش میپردازند و معلم آنها را هدایت می کند. انتظار نمی رود که هر بازیگری یک نمایش روان و بدون مسئله اجرا کند. اجرای نقش زمانی ادامه می یابد که هدف تحقق یابد و از حاشیه رفتن و دوری از هدف خودداری شود.

مرحله ششم: بحث و ارزشیابی نمایش

در این مرحله مهم از بازیگران و تماشاگران میخواهد با توجه به ملاک ها و معیارهای طراحی شده ارزیابی خود را مطرح نمایند. ضمناً سوالاتی که در ذهن آنان ایجاد شده را طرح نمایند. معلم نیز با ارایه سوال هایی مانند سوالات زیر نظرات و پیشنهادات انتقادی را طلب می کند:

۱. نظرتان درباره ی الگوی رفتاری بازیگران نقش ها چیست؟

۲. چه پیشنهادی برای بهینه سازی رفتارها دارید؟

۳. عملکرد مطلوب از دیدگاه شما چه ویژگی هایی دارد؟

مرحله هفتم: اجرای دوباره ی نمایش

معلم بحث و نظر ارائه شده در مرحله ششم را جمع آوری می کند، بازیگران نقش ها در جریان اصلاحات نقش های ایفا شده قرار می گیرند و ایفای نقش دوباره صورت می گیرد.

مرحله هشتم: بحث و ارزشیابی مجدد

معلم در این مرحله ایفای نقش مجدد را به بحث و ارزشیابی می گذارد و سوالاتی نظیر سوالات ذیل از سوی معلم طرح می گردد:

۱. چند درصد از انتقادات و پیشنهادهای ارایه شده اعمال شد؟

۲. با موفقیت جدید میتوان به راه حل های مبتنی بر واقعیت دست یافت؟

۳. اشتباهات تکرار شده را مشخص کنید؟

مرحله نهم: تعمیم تجارب

در این مرحله فراگیران قادر می شوند که نقش های ایفا شده را در موقعیت های مسئله دار و مشکلات واقعی ارتباط دهند و به اصول نظریه ای که بتوانند در زندگی واقعی از آن بهره گیرند نزدیکتر می گردند.

محاسن و محدودیتهای روش ایفای نقش

الف - محاسن:

۱. روش ایفای نقش دانش آموزان را بر می انگیزد که با شور و شوق و هیجان جریان نمایش را مشاهده کنند.
۲. دانش آموزانی که مشاهده کننده هستند در احساس ایفاگران نقش سهیم می شوند و خود را در صحنه نمایش احساس میکنند و این حالت عاطفی در یادگیری و القاء احساسات تأثیر فراوانی دارد.
۳. با این روش می توان زمینه را برای بحث گروهی فراهم ساخت.
۴. این روش برای رفع کم رویی در دانش آموزان خجالتی مفید است. به همین دلیل معلم باید افراد کمرو را به شرکت در نمایش و ایفای نقش تشویق کند البته به اینگونه افراد باید ابتدا نقش های ساده محول گردد زیرا چنانچه نقش مشکل به آنها سپرده شود نتوانند بخوبی از عهده آن بر آیند ممکن است کمرویی در آنان تشدید شود.

ب - محدودیت ها:

۱. روش ایفای نقش برای تحقق هدفهای پیچیده آموزشی مناسب نیست. زیرا پرداختن به مسائل مشکل به تدارکات زیاد و تخصص هنری نیاز دارد. لیکن از این روش میتوان برای رسیدن به هدفهای آسان و جزیی استفاده کرد.
۲. این روش به دلیل اینکه بصورت ظاهر جنبه نمایشی و هنری دارد به عنوان یک روش آموزشی، جدی گرفته نمی شود.
۳. روش ایفای نقش به اجرای درست، صرف وقت کافی و تهیه تدارکات نیاز دارد و انجام آن وقت گیر است. (صفوی، ۱۳۶۹)

د) روش بدیعه پردازی

در بین الگوهای تدریس، الگوی بدیعه پردازی از روش هایی است که در پرورش خلاقیت نقش به سزایی دارد. این روش متکی بر افزایش تفکر خلاق و مشکل گشایی در در مواقع خاص، بر هم زدن سنت های متداول و گسترش افق های فردی و اجتماعی در دانش آموزان است (رسولی، عیسی مراد، ۱۳۹۵) هدف اصلی بدیعه پردازی شکستن سد قواعد مرسوم و زمینه های قبلی و یافتن راه های جدید برای حل مسائل و اندیشیدن به طرز جدید است. (شعبانی، ۱۳۹۳)

گوردون از بنیان گذاران این روش است که با طرح نظریات جدید در مورد خلاقیت اعتقادات سنتی در مورد آن را شکست. او بر خلاف گذشتگان که خلاقیت را یک امر کاملاً ذاتی میدانستند، آن را قابل یاد دادن و یاد گرفتن معرفی کرد. او همچنین عنوان داشت که فعالیتهای گروهی از بهترین راه های پرورش خلاقیت است (گالن سیلور ۱۹۸۰ / خوبی نژاد، ۱۳۷۲).

واژه بدیعه پردازی متشکل از دو کلمه یونانی syn (با هم آوردن) و ectos یا ectics (عناصر متفاوت) به معنی اتصال و پیوند اجزای متفاوت و در ظاهر بی ربط است (ویور و پرینس، ۱۹۹۰؛ نولان، ۲۰۰۳؛ سلیگمن، ۲۰۰۷، به نقل از حسینی، ۱۳۸۷).

الگوی یادگیری به روش بدیعه پردازی به نحوی تدوین شده است که یادگیرنده را اندکی به دنیای غیر منطقی که کمتر در آن قیدوبند و منطق راهها را سد می کند رهنمون می سازد؛ در آنجا فرصتی ایجاد میشود تا یادگیرنده راههای نوین درک و فهم اشیاء، مسائل، مفاهیم، رخ دادها و... را دریابد. (آقازاده، ۱۳۸۴).

مهم ترین اصل در روش بدیعه پردازی کمک کردن به افراد است تا راه های جدید تفکر درباره مسائل را کشف کنند و توسعه بخشند، خود را از محدودیتهای برهاند و راه حل های جدیدی را به وجود آورند (اوجی نژاد، ۱۳۸۹)

ویلیام گوردون، پایه گذار این الگو، بدیعه پردازی را بر چهار اصل که نظریات عادی درباره خلاقیت را به نقد می کشد استوار میکند:

۱. خلاقیت در کارهای روزمره اهمیت دارد
۲. جریان خلاقیت به هیچ وجه اسرار آمیز نیست
۳. مراحل خلق چیزی جدید در همه رشته ها (هنر علوم مهندسی و...) مشابه اند.
۴. ابداع فردی و گروهی شباهت بسیار به یکدیگر دارند.

عنصر عمده در بدیعه پردازی یا تفکر استعاری، استفاده از قیاسهاست... این قیاسها از مبانی عمل آموزش است؛ قیاس های مورد نظر عبارتند از؛ قیاس شخصی، قیاس مستقیم و تعارض فشرده یا اضداد.

- ۱- قیاس مستقیم؛ زمانی که از شاگردان میخواهیم تصورات و احساسات خود را نسبت به موضوع بیان کنند.
- ۲- قیاس شخصی؛ وقتی دانش آموزان خود را به جای مفهومی مشخص قرار داده و احساس به وجود آمده را توصیف کنند
- ۳- تعارض فشرده؛ زمانی که از میان کلمات خود و همکلاسی هایشان قیاسهایی را با یکدیگر در تضاد هستند پیدا نمایند (حاجی اسحاق، ۱۳۸۹) و (تجری، ۱۳۹۲).

اما مراحل کامل روش تدریس بدیعه پردازی از نظر آقازاده (۱۳۸۴) ۶ مرحله است؛ مرحله اول؛ توصیف شرایط موجود، مرحله دوم؛ قیاس مستقیم، مرحله سوم؛ قیاس شخصی، مرحله چهارم؛ تعارض فشرده، مرحله پنجم؛ قیاس مستقیم (قیاس مجدد)، مرحله ششم؛ بررسی مجدد وظیفه اولیه (نگارش مستقیم) (آقازاده، ۱۳۸۴).

احدیان (۱۳۷۸) نیز مراحل ۶ گانه این روش را به شرح زیر می داند:

۱. شناخت شرایط موجود؛ در این مرحله دانش آموزان به توصیف دیده های خود می پردازند و موقعیت مورد نظر برای آنها به طور کامل واضح می شود.
۲. قیاس مستقیم؛ در این مرحله دانش آموزان تصورات خود را در مورد یک پدیده مطرح می کنند و آن را با یک پدیده یا مفهوم دیگر مقایسه می کنند. (مانند مقایسه ی جامعه با ماشین)
- پس از ارائه ی قیاس ها یکی از آنها توسط گروه ها انتخاب می شود.
۳. قیاس شخصی؛ در این مرحله دانش آموز خود را به جای آن مفهوم یا چیز قرار می دهد و احساسات خود را بیان می کند و اغلب این کار با جان بخشی به اشیاء صورت می گیرد. البته این قیاس با توجه به قیاس مستقیم انتخاب شده در مرحله ی قبل صورت می گیرد.

۴. تعارض فشرده؛ در این مرحله دانش آموزان از قیاس های شخصی و مستقیمی بهره می برند که در آن از مفاهیم متضاد بهره گرفته شده است. (مرگ و زندگی برای او معنی دارد).

بنا به اعتقاد گوردون " تعارض فشرده بهترین کمک به وسعت دادن بینش فراگیران و انعطاف ذهنی آن ها را بالا می برد."

۵. در این مرحله با توجه به مراحل قبلی قیاس مستقیم دیگری انجام می شود.

۶. دانش آموزان در این مرحله با راهنمایی معلم به مفهوم مورد نظر برمی گردند و با توجه به قیاس های انجام شده به ارزیابی مفهوم می پردازند و اغلب در این مرحله دانش آموزان در مورد موضوع درس به نوشتن انشا می پردازند.

توجه به دو نکته ی زیر برای اثر بخشی این روش تدریس ضروری است:

- معلم نباید آفرینش ها و قیاس های شاگردان را تحت تاثیر قرار دهد و دادن آزادی می تواند خلاقیت را بالا ببرد.
- اجرای این روش تدریس بسته به داشتن تواناییهای خاصی در دانش آموزان است و معلم قبل از انتخاب این روش باید به رشد ذهنی دانش آموزان خود توجه کند.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که دو راهبرد یا دو الگوی تدریس مبتنی بر روشهای بدیعه پردازی وجود دارد: ۱- خلق چیزی جدید که برای آن تدوین شده است تا آشنا را غریب کند و به شاگردان کمک کند تا مسائل نظریات یا فرآورده های قدیمی را در پرتو خلاقیتی بیشتر و تازه ببینند. ۲- غریب را آشنا ساختن که برای آن تدوین شده است تا عقاید جدید و نا آشنا را معنی دارتر نماید (سیف، ۱۳۷۹)

محاسن و محدودیتهای روش بدیعه پردازی

بدیعه پردازی به منظور افزایش خلاقیت دانش آموزان تدوین و طراحی می شود. مشارکت دانش آموزان در تجربه بدیعه پردازی موجب تقویت احساس روابط اجتماعی مطلوب در بین آنان می شود. دانش آموزان با ملاحظه واکنش های همکلاسی هایشان به یک مسئله با نوع تفکر آنان آشنا می شوند، و اندیشه های مختلف را بر حسب کمکی که به جریان تفکر گروهی ارائه می دهند ارزش گذاری می کنند و پایه منزلت اجتماعی افراد را بر حسب شایستگی تفکر آنان تعیین مینمایند؛ در نتیجه شرایط لازم برای مشارکت اندیشه های مختلف (حتی کمروترین دانش آموزان) فراهم میشود.

بدیعه پردازی در آموزش تمام رشته های تحصیلی از جمله علوم و هنر کاربرد دارد. معلم میتواند از آن در مباحثه های خود با دانش آموزان و تهیه محتوایی خود ساخته استفاده کند. دانش آموزان نیز میتوانند بینش و نگرش های خود را درباره مسائل فردی و اجتماعی پیش و پس از روش بدیعه پردازی بررسی و مقایسه کنند.

روش بدیعه پردازی می تواند دانش آموزان را در نگارش خلاق، کشف مسائل اجتماعی، حل مسئله و گسترش چشم انداز از مفهوم کمک کند. این روش نه تنها برای دانش آموزانی که نمی خواهند ریسک کنند و به همین دلیل کمتر در فعالیت های آموزشی مشارکت می کنند بلکه برای دانش آموزان فعالی هم که تنها در صورت اطمینان از پاسخ خود تمایل به مشارکت در

گروه دارند نیز مفید می باشد. این روش در زمانی کوتاه موجب گسترش اندیشه می شود و در صورت استفاده مکرر می تواند مهارت دانش آموزان را در به کارگیری سبک های استعاره ای افزایش دهد.

از طرف دیگر چون روش بدیعه پردازی بر محیطی تأکید دارد که مشوق خلاقیت، یکپارچگی گروهی، فعالیت های متقابل و نو آفرینی دانش آموزان در درون دنیای استعارات باشد، لذا به تسهیلات کافی و رهبری شایسته نیازمند است. بدون فضای کار مناسب و معلم کارآمد امکان اجرای این روش وجود ندارد. (شعبانی، ۱۳۹۴)

ه) روش تلفیقی

امروزه برنامه درسی تلفیقی و در هم تنیده مورد استقبال برنامه ریزان آموزشی و درسی است و با توجه به اینکه هر یک از موضوعات درسی دارای هدف های چندگانه و متنوع است بدیهی است که استفاده از روشهای خطی و تک بعدی، کارآمدی مطلوب را نخواهد داشت و بهتر است برای ارائه چندین موضوع چند وجهی از روشهای تدریس تلفیقی استفاده نمود. به عبارت دیگر یک واحد درسی را با استفاده از چند روش تدریس می توان پیگیری نمود (فضلی خانی، ۱۳۸۹). در واقع استفاده روش تدریس تلفیقی باعث میشود دانش آموزان با انواع سبک های یادگیری در کلاس درس فعال شده و خود به ساخت دانش بپردازند و در کلاس فضای شاد با نشاط و پرانرژی حاکم شود و افراد انگیزه ی بیشتری برای حضور در کلاس و شرکت در بحث ها پیدا کنند و از طرفی مهارت های ارتباطی کلامی و حرکتی آنها در کنار توانایی های شناختی شان رشد یابد. به عنوان مثال روش تلفیقی انتخابی برای درسی همچون مطالعات میتواند تلفیقی از روشهای مشارکتی و بحث گروهی، روش بارش مغزی و همچنین روش سخنرانی معلم به عنوان ابزاری برای رفع بد فهمی ها باشد. همچنین معلم افزون بر آگاهی های لازم در زمینه محتوا و ماده درسی باید درباره شیوه های طراحی آموزشی ارزشیابی و... نیز دانش و مهارت کافی داشته باشد. (طیعی، ۱۴۰۰)

۴- نتیجه گیری

امروزه یکی از هدف های آموزش و پرورش این است که به فراگیران کمک کند تا بتوانند از دانش خویش به طور مؤثر استفاده کنند. تدریس یکی ابزارهای مهم یادگیری است که با به کارگیری روشهای نوین تدریس میتوان یادگیری را تسهیل نمود. روش های تدریس نوین برای عصر حاضر ضروری و لازم است و معلمان باید نسبت به انواع روش های تدریس نوین اطلاعات کسب کنند و در درس خود از آنها بهره ببرند. البته هیچ یک از روشهای تدریس فی نفسه خوب یا بد نیستند بلکه نحوه و شرایط استفاده از آنهاست که باعث قوت یا ضعفشان می شود. لذا معلم باید با توجه به هدفهای آموزشی محتوای تدریس نیازها و علایق دانش آموزان، امکانات موجود (زمان، فضا، وسایل و...) تراکم دانش آموزی و... مناسب ترین شیوه را برای یک تدریس مطلوب انتخاب کند. معلمان سربازان خط اول جبهه تربیت هستند و ضرورت دارد که با مدرن ترین سلاح های علمی روز یعنی روشهای مختلف نوین و فعال تدریس آشنا باشند و بدانند در کدامین موقعیت آموزشی از کدامین روش استفاده نمایند.



امروزه هر فرد بشر ناچار از استفاده یافته های جدید است. از آنجا که در مدارس ما نیز دانش آموزان برای آینده تربیت می شوند و هر ساله مطالب و محتوا های کتاب ها نیز تغییر می یابد، این ضرورت، یعنی استفاده از شیوه های جدید، نو و کارآمد بسیار احساس می شود. یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش خصوصا در کشور ما، به کار نگرفتن روش های تدریس نوین در آموزش است. آشنایی با روش های نوین تدریس می تواند زمینه ای جهت برخورد متقابل و منطقی با دانش آموزان از یک مجرای ارتباطی صحیح مهیا کند به طوری که همواره تفکر منطقی داشته باشد. امید است که معلمان در به کارگیری مناسب و مفید روشهای نوین تدریس بتوانند به تعالی تربیت شوندگان کمک ویژه نمایند و آینده ی هرچه روشن تری را رقم زنند.

منابع

- اکبری شلدردی، فریدون و دیگران: ۱۳۸۹، روش های نوین یاددهی یادگیری و کاربرد آنها در آموزش، تهران: انتشارات فرتاب
- مقرب الهی، زهرا: ۱۳۹۱، روش های نوین تدریس، موج، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره اول (دانشجو و دانشگاه)
- قورچیان، نادرقلی: ۱۳۷۹، جزئیات روش های تدریس، تهران: موسسه فراشناختی اندیشه.
- فضلی خانی، منوچهر: ۱۳۸۹، راهنمای عملی روش های فعال و اکتشافی در آموزش، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آزمون نوین
- ساروخانی، باقر: ۱۳۷۵، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هرگنهن، بی. آر. السون، متیو اچ (۱۳۷۴)، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، سیف، علی اکبر، تهران: دانا، چاپ اول.
- صفوی، امان الله، ۱۳۷۰، کلیات روشها و فنون تدریس، تهران، نشر معاصر.
- صفوی، امان الله، ۱۳۶۹، کلیات روش ها و فنون تدریس، شرکت چاپ و نشر ایران چاپ رودکی، چاپ اول
- حبیبی، شراره: ۱۳۹۰، روشهای تدریس پیشرفته، تهران: انتشارات آوای نور.
- نوروزی، داریوش و رضوی، سید عباس: بهار ۱۳۹۹، مبانی طراحی آموزشی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- طیعی، زهرا، ۱۴۰۰، بررسی روش های تدریس فعال و غیر فعال و معرفی چند روش تدریس در درس مطالعات اجتماعی، دهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
- میرزا محمدی، محمد حسن: ۱۳۹۰، روش ها و فنون تدریس، تهران: انتشارات پوران پژوهش.
- گیج، ان. ال (۱۳۷۴) "مبانی علمی هنر تدریس" ترجمه محمود مهرمحمدی، انتشارات مدرسه
- گیج و برلایندر، روانشناسی تربیتی، گروه مترجمین، تهران: نشر پاژ، ۱۳۷۴
- موسی پور، نعمت الله "مفهوم تدریس و پرسش های اساسی آن" (۱۳۸۳)
- شعبانی، حسن: ۱۳۹۴، مهارتهای آموزشی و پرورشی، تهران: انتشارات سمت
- شعبانی، حسن: ۱۳۸۲، مهارت های آموزشی، تهران: انتشارات سمت
- شعبانی، حسن: ۱۳۸۷، مهارت های آموزشی، روش ها و فنون تدریس، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- شعبانی، حسن: ۱۳۹۳، مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت
- شفیلد، هری، کلیات فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۵
- نصرتی، سکینه. (۱۳۹۸). اثربخشی روش بارش مغزی برای افزایش یادگیری ریاضی دانش-آموزان. پژوهشنامه اورمزد، - (۴۶) ضمیمه شماره ۲)
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۹) مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات نشر دوران
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹)، «روانشناسی تربیتی»، تهران: انتشارات آگاه.
- رمضان پور، م (۱۳۹۴). مقایسه اثر بخشی دو روش سنتی و بارش مغزی بر افزایش یادگیری ریاضی در دانش آموزان دختر دوم متوسطه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان
- آقازاده، محرم: ۱۳۸۸، راهنمای روش های نوین تدریس، تهران، انتشارات آییژ

بدریان، عابد؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۸۷). ضرورت باز اندیشی در برنامه درسی شیمی دوره های مختلف تحصیلی. هفتمین همایش ملی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دانشگاه تربیت معلم تهران.

پارسونز، ریچارد، استفان لوئیس، هینسون و دیورا ساردو براون؛ ۱۳۸۵، روانشناسی تربیتی: تحقیق، تدریس، یادگیری، ترجمه اسد زاده، حسن؛ اسکندری، حسن، تهران: انتشارات عابد.

زارعی، حیدر علی؛ مرندي، احمد (۱۳۹۰). ارتباط راهبردهای یادگیری و سبک های حل مسئله با پیشرفت تحصیلی، نوآوری های مدیریت آموزشی: اندیشه های تازه در علوم تربیتی. دوره ۶، شماره ۳.

فضلی خانی، منوچهر؛ ۱۳۸۲، راهنمای عملی روش مشارکتی و فعال در فرایند تدریس، تهران: انتشارات آزمون نوین.

احمدیان، محمد و آقازاده، محرم؛ ۱۳۷۸، راهنمای روش های تدریس برای آموزش و کار آموزی، تهران: انتشارات آیپژ.

خورشیدی، عباس؛ ۱۳۸۱، روش ها و فنون تدریس. تهران: یسطرون.

رسولی، یوسف و عیسی مراد، ابوالقاسم (۱۳۹۵) اثر بخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه علوم تربیتی، ۶(۱)، ۱۵۷-۱۷۴

سیلور، جی گالن؛ الکساندر، ویلیام ام و لوئیس، آرتور جی؛ ۱۳۷۸. برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، ترجمه: غلامرضا خویی نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی.

حسینی، اکرم السادات، معماریان، ربابه (۱۳۸۷)، تاثیر بکارگیری الگوی بدیعه پردازی در آموزش مفهوم مراقبت تسکینی در کودکان بر خلاف نوشتاری و عملکرد تحصیلی دانشجویان پرستاری، آموزش در علوم پزشکی، ۳(۹)، ۲۳۹-۲۴۸

اوجی نژاد، احمد رضا، ۱۳۸۹، «تاثیر بکارگیری الگوی تدریس بدیعه پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس انشاء»، فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ۱(۲)، ۲۸-۳۰

تجری، طیب (۱۳۹۲)، «تاثیر روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی»، گرگان: نوروزی.

حاجی اسحاق، سهیلا (۱۳۸۹)، آموزش راه های یادگیری، تهران: کوروش

-Metallidou, P (2009). Pre-service and in-service teachers metacognitive knowledge about problem-solving strategies. Teaching and Teacher Education, 25(1), 76-82.

-Sternberg, R.J., & Sternberg, K. (2016). Cognitive psychology. Nelson Education.